



سید جواد حسینی

اشاره

در شماره قبل، بحثهایی از قبیل اهمیت خدمت به خلق در قرآن، سیره ائمه علیهم السلام و سخنان امام خمینی علیه السلام در این زمینه را مورد بررسی قرار داریم و اینک درباره پاداش خدمتگزاران و جزای کسانی که از خدمتگزاری استنکاف می کنند، بحث می کنیم.

پاداشهای خدمت به مردم

در منابع روایی، تعبيرات حیرت زایی از پاداش خدمت به خلق و مردم شده است که به نمونه هایی اشاره می شود:

۱. برتر از ده طواف

اسحاق بن عمار می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «يَا إِسْحَاقُ مَنْ طَافَ بِهَذَا الْبَيْتِ طَوَافًا وَاحِدًا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَمَحَا عَنْهُ أَلْفَ سَيِّئَةٍ وَرَفَعَ لَهُ أَلْفَ دَرَجَةٍ وَغَرَسَ لَهُ أَلْفَ شَجَرَةٍ فِي الْجَنَّةِ وَكَتَبَ لَهُ ثَوَابَ عِتْقِ أَلْفِ نَسَمَةٍ حَتَّى إِذَا صَارَ إِلَى الْمُلتَزِمِ فَتَحَ اللَّهُ لَهُ ثَمَانِيَةَ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَيَقَالُ لَهُ ادْخُلْ مِنْ أَيِّهَا شِئْتَ»^۱ ای اسحاق! هر که این خانه (کعبه) را یک بار طواف کند خداوند

۱. وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، مؤسسه آل

البیت، قم، ۱۴۰۹ هـ ق، ج ۱۳، ص ۳۰۴.

۲. برآورده شدن صد هزار حاجت
حضرت صادق علیه السلام فرموده است:
«مَنْ قَضَى لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ حَاجَةً قَضَى اللَّهُ
عَزَّ وَجَلَّ لَهُ - يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِائَةَ أَلْفِ حَاجَةٍ
مِنْ ذَلِكَ أَوْ لَهَا الْجَنَّةُ وَمِنْ ذَلِكَ أَنْ
يُدْخَلَ قَرَابَتَهُ وَمَعَارَفَهُ وَإِخْوَانَهُ الْجَنَّةَ
بَعْدَ أَنْ لَمْ يَكُونُوا نَصَابًا؛^۲ کسی که یکی
از خواسته‌های برادر مؤمنش را
برآوردف خداوند در روز قیامت، صد
هزار خواسته او را برمی‌آورد که
نخستین آنها بهشت است و از جمله
این پاداش آن است که خویشان و
آشنایان و برادران دینی او را نیز وارد
بهشت می‌کندف به این شرط که
ناصبی (به دشمنی اهل بیت) نباشند.»

۳. برتر از هزار بنده آزاد کردن
حضرت صادق علیه السلام در حدیث
دیگری فرموده است: «قَضَاءُ حَاجَةِ
الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عِتْقِ أَلْفِ رَقَبَةٍ وَ خَيْرٌ

برای او هزار حسنه می‌نویسد و هزار
سینه از او محو می‌کند و هزار درجه
او را بالا می‌برد و هزار درخت برای
او در بهشت می‌کارد و ثواب آزاد
کردن هزار بنده برایش می‌نویسد، تا
به ملتزم می‌رسد هشت در بهشت را
برای او می‌گشاید و سپس به او
می‌فرماید: از هر کدام از آنها که
خواستی وارد شو.»

گفتم: فدایت شوم. همه اینها برای
کسی است که طواف می‌کند؟ فرمود:
نَعَمْ أَمْ فَلَا أُخْبِرُكَ بِمَا هُوَ أَفْضَلُ مِنْ هَذَا؟
بله. آیا به تو خبر ندهم از چیزی که
از این هم با فضیلت تر است؟»

عرض کردم: آری. فرمود: «مَنْ
قَضَى لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ حَاجَةً كَتَبَ اللَّهُ لَهُ
طَوَافًا وَ طَوَافًا حَتَّى يَبْلُغَ عَشْرَةَ؛^۱ هر کس
حاجتی برای برادر مؤمنش برآورده
کند، خداوند برای او [ثواب] طوافی
و طوافی و طوافی می‌نویسد.
[حضرت همین طور شمرد] تا به ده
طواف رسید.»

۲. اصول کافی، همان، ج ۲، ص ۱۹۳، ح ۱ و
شبهه آن در بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۱۱، ح ۶۴،
و ص ۲۸۵، ح ۷ و ۸.

تِسْعَةَ أَلْفِ سَنَةٍ صَائِمًا نَهَارَهُ قَائِمًا لَيْلَهُ؛^۳ کسی در راه حاجت مؤمن تلاش کند، گویا نه هزار سال خدا را عبادت کرده است؛ در حالی که روزها را روزه و شبها را در حال قیام (نماز) بوده است.

۵. برطرف شدن گرفتاری

ما موظفیم برای رفع گرفتاریهای خود تلاش کنیم؛ ولی بدانیم راه رفع گرفتاریها فقط تلاش مستقیم برای برداشتن آن گرفتاری نیست. گاه برآوردن حاجت دیگران و گره از کار دیگران گشودن، صدها گره از زندگی ما را باز می‌کند.

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «إِنَّ اللَّهَ فِي عَوْنِ الْمُؤْمِنِ مَا دَامَ الْمُؤْمِنُ فِي عَوْنِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ وَمَنْ نَفَسَ عَنْ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ الدُّنْيَا نَفَسَ اللَّهُ عَنْهُ سَبْعِينَ كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ الْآخِرَةِ؛^۴ به راستی خداوند، مؤمن را تا زمانی که برادر مؤمن خود را یاری رساند، یاری می‌کند و کسی که یک گرفتاری

مِنْ حُمْلَانِ أَلْفِ فَرَسٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛^۱ روا ساختن حاجت مؤمن، از آزاد ساختن هزار بنده و بارکردن هزار اسب در راه خدا (فرستادن به جهاد) بهتر است.»

۴. عبادت دهر

راستی خداوند، گاه آن چنان درب رحمت و فضل خویش را باز کرده است که بنده در یک لحظه و با یک عمل، به اندازه تمام عمر خویش می‌تواند کار و ثواب انجام دهد.

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام از پدرانش از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چنین نقل کرده است که آن حضرت فرمود: «مَنْ قَضَى لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ حَاجَةً كَانَ كَمَنْ عَبَدَ اللَّهَ دَهْرَهُ؛^۲ کسی که حاجت برادر دینی خود را برآورد، مانند کسی که همه عمر، خدا را عبادت کرده باشد.»

در روایت دیگری آمده است رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «مَنْ سَعَى فِي حَاجَةِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ - فَكَأَنَّمَا عَبَدَ اللَّهَ

۱. اصول کافی، همان، ج ۳؛ بحارالانوار، ج ۷۱.

ص ۳۲۴ و اختصاص، شیخ مفید، ص ۲۶.

۲. بحارالانوار، همان، ج ۷۱ ص ۳۰۲، ح ۴۰.

۳. همان، ص ۳۱۵، ح ۷۲.

۴. بحارالانوار، همان، ج ۷۱، ص ۳۱۲، ح ۶۹.

مرشد سراسیمه در پی آن سید می‌رود و از او عذرخواهی می‌کند و بعد از آن، تابلویی به این صورت نصب می‌کند: «نسیه داده می‌شود؛ حتی به شما، وجه دستی به اندازه و سعمان پرداخت می‌شود» و آن گاه وضعیتش به حالت اول بر می‌گردد.^۱

۲. مهندسی یکصد دستگاه ساختمان ساخته بود و به دلیل بدهکاری زیاد، فراری شده بود و ساختمانها هم فروش نمی‌رفت. از شیخ رجبعلی راهنمایی خواست. او گفت که باید خواهرت را راضی کنی او نیز خواهرش را با دادن سهم ارثش راضی کرد. همچنین با سفارش شیخ، یکی از خانه‌های ساخته شده را به خواهرش واگذار کرد و وی را از اجاره نشینی نجات داد. فردای همان روز، سه تا از خانه‌ها فروش رفت و گرفتاری او برطرف شد.^۲

از گرفتاریهای برادر مؤمنش را در دنیا بر طرف کند، خداوند هفتاد گرفتاری، از گرفتاریهای آخرت او را برطرف می‌کند.»

البته رفع گرفتاری برادران مؤمن، در رفع گرفتاری دنیوی نیز مؤثر است. اکنون به این داستانها در این باره توجه کنید:

۱. مرحوم مرشد چلوبی معروف، خدمت شیخ رسید و از کسادى بازارش گله کرد و گفت: «این چه وضعی است، روزی بود که سه چهارم دیگر چلو می‌فروختیم و مشتریها فراوان بودند؛ ولی اکنون روزی یک دیگ هم مصرف نمی‌شود.» شیخ تأملی کرد و گفت: «تقصیر خودت است که مشتریها را رده می‌کنی!» مرشد گفت: «من کسی را رده نکردم؛ حتی از بچه‌ها هم پذیرایی می‌کنم و نصف کباب به آنها می‌دهم.» شیخ گفت: «آن سید چه کسی بود که سه روز غذای نسیه خورده بود بار آخر او را هل دادی و از در مغازه بیرون کردی؟!»

۱. کیمیای محبت، محمدی ری شهری، دار

الحدیث، ۱۳۷۸، ص ۱۲۹.

۲. همان، ص ۱۳۳، با تلخیص.

۶. امنیت در قیامت

کسی که در سختیها و گرفتاریهای مردم، آنها را یاری برساند و با برآوردن حاجات آنان به آنها آرامش هدیه کند، خداوند در سخت‌ترین مراحل زندگی پس از مرگ، یعنی قیامت به او امنیت و آرامش اعطا می‌کند.

در بیان موسی بن جعفر علیه السلام آمده است: «إِنَّ لِلَّهِ عِبَاداً فِي الْأَرْضِ يَسْعَوْنَ فِي حَوَائِجِ النَّاسِ - هُمْ الْأَمِينُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۱ برای خداوند در روی زمین، بندگانی هستند که در راه رفع حوائج مردم تلاش می‌کنند. آنان در روز قیامت، ایمن‌اند.»

البته خدمت‌رسانی به مردم در همین دنیا به انسان آرامش و انبساط درونی می‌دهد و در روایات نیز به آن اشاره شده است.^۲

۷. خوشحالیهای متعدد

برآوردن حاجات مردم و خوشحال کردن خلق، هم زمینه

خوشحالی خدا و رسولش را فراهم می‌کند و هم عامل خوشحالی انسان در دنیا و عالم قبر می‌شود.

امام باقر علیه السلام به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ سَرَّ مُؤْمِناً فَقَدْ سَرَّنِي وَمَنْ سَرَّنِي فَقَدْ سَرَّ اللَّهَ»^۳ کسی که مؤمنی را خوشحال کند، مرا خوشحال کرده است. و کسی که مرا خوشحال کند، خدا را خوشحال کرده است.»

حنان بن سدید از پدرش نقل کرده است که در محضر امام صادق علیه السلام بودم سخن از حق مؤمن به میان آمد. حضرت به من وارد کرد و فرمود: «ای ابوالفضل! می‌خواهی از حال مؤمن در پیشگاه الهی خبر دهم.» عرض کردم: «بله، فدایت شوم.» فرمود: «هنگامی که خدا روح مؤمن را قبض می‌کند، دو ملک مراقب او به آسمان بالا می‌روند و عرض می‌کنند: «ای پروردگارا! این، خوب بنده‌ای است؛ چرا که نسبت به

۱. همان، ص ۳۱۹ ح ۸۷.

۲. همان، ص ۳۱۹ ح ۸۵.

۳. بحارالانوار، همان، ج ۷۱، ص ۲۸۷، ح ۱۴.

برآوردن حاجات مردم و خوشحال کردن خلق، هم زمینه خوشحالی خدا و رسولش را فراهم می‌کند و هم عامل خوشحالی انسان در دنیا و عالم قبر می‌شود.

ترسهای قیامت را می‌بیند، آن مثال می‌گوید: «ناراحت و محزون نباش من به سرور و شادی و کرامت از طرف خداوند بشارت می‌دهم» تا آن گاه که در پیشگاه عظمت الهی قرار گیرد. خداوند به آسانی اعمالش را محاسبه می‌کند و دستور می‌دهد که وارد بهشت شود؛ در حالی که تمثال، جلو اوست.»

مؤمن به او می‌گوید: «خداوند تو را رحمت کند چه نیکو از قبر همراه من شدی و همیشه مرا به شادی و سرور و کرامت خداوند بشارت دادی. تو کیستی؟ پس تمثال می‌گوید: «من آن خوشحالی هستم که بر [قلب] برادر مؤمنان [بر اثر برآوردن حاجتش] در دنیا وارد کردی. خدا مرا آفریده است تا تو را بشارت دهم.»^۱

راستی با این همه آثار و برکات برای خدمت رسانی به مردم و انجام حوایج خلق، آیا جا ندارد که انسان تلاش کند تا در ردیف خادمان به

اطاعت شما سریع، و در معصیت شما کند بود. حال که روح او را قبض کرده‌ای، چه دستوری برای ما درباره او دارد؟» خدای جلیل و جبار می‌فرماید: «به دنیا فرود آید و نزد قبر او باشید. تکبیر و تسبیح و تهلیل و تمجید من را بگویند (یعنی الله اکبر و لا اله الا الله بگویند) و ثواب آن را برای این بنده‌ام بنویسید تا آن روزی که او را از قبر مبعوث سازم.»

سپس آن حضرت فرمود: «می‌خواهم بیش‌تر بگویم؟» گفتم: «بله» فرمود: «وقتی خداوند مؤمن را از قبرش برانگیخت، با او شکلی و مثالی همراه می‌شود که در جلو او حرکت می‌کند. هر جا مؤمن ترسی از

۱. بحار الانوار، همان، ج ۷۱، ص ۲۸۳ و ۲۸۴.

وی بیاید، با چهره باز با او برخورد نکند. اگر بتواند خود حاجت او را برآورد، باید در این باره به سرعت اقدام کند و اگر نمی‌تواند نزد دیگران برود تا حاجت او را برآورده سازد و اگر کسی غیر از این باشد که برایت وصفت کردم، هیچ گونه ولایت و رابطه‌ای بین ما و او نیست.^۲

۲. رفتن به جهنم

در قرآن کریم نیز به این امر، اشاره شده است؛ آنجا که به جهنمیها گفته می‌شود: «چرا وارد جهنم نشدید؟» در جواب می‌گویند: «قَالُوا لَمْ نَكُ مِنْ الْمُصَلِّينَ * وَ لَمْ نَكُ نَطْعِمُ الْمِسْكِينَ»؛^۳ «ما از نمازگزاران نبودیم و فقرا را طعام ندادیم.» و در سوره فجر و ماعون به این امر اشاره شده است. که دیگران را وادار نکرده‌اند که به فقرا اطعام کنند.»

«وَلَا تَحَاضُّونَ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينَ»؛^۴ «و یکدیگر را بر اطعام مستمندان

مردم قرار گیرد و گره از زندگی آنان باز کند؟ امامان عظیم الشان، علاوه بر بیان آثار و نتایج خدمت به خلق و الگوی عملی بودن برای این کار از شیعیان خواسته‌اند در ردیف خدمتگزاران به خلق و مردم باشند.

مفضل بن عمر می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ خَلْقًا مِنْ خَلْقِهِ إِنْتَجِبَهُمْ لِقَضَاءِ حَوَائِجِ فُقَرَاءِ شِيعَتِنَا لِيُيَبِّتَهُمْ عَلَى ذَلِكَ الْجَنَّةِ فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَكُونَ مِنْهُمْ فَكُنْ...»^۱ خداوند، مخلوقاتی را آفریده که آنها را برای انجام حوائج فقرا شیعیان ما برگزیده است تا بر این عمل، بهشت را به عنوان ثواب و پاداش عطا کند. پس اگر توان داری جزو آنان باش، پس باش.»

جزای امتناع از خدمت به خلق

۱. فقدان ایمان کامل

حضرت صادق علیه السلام فرمود: «ای رفاعة! به خدا و محمد و علی علیه السلام ایمان نیاورده است کسی که هر گاه برادر مؤمن او برای رفع حاجتی نزد

۲. همان، ج ۷۲، ص ۹۴.

۳. مدثر/۲۳ و ۴۴.

۴. فجر/۱۸.

۱. همان، ص ۳۲۳، ح ۹۱.

ندهد و او را خوار سازد با اینکه قدرت یاری او را دارد، خداوند او را در دنیا و آخرت خوار کند.»

ابوحزمه ثمالی می گوید که روز جمعه‌ای نماز صبح را با امام سجاد علیه السلام به جا آوردم. پس از نماز، با هم به سمت خانه آن حضرت، روانه شدیم آن حضرت، کنیزک خود به نام سکینه را فراخواند و فرمود: «امروز، جمعه است. هیچ سائلی از در خانه من نمی گذرد؛ مگر اینکه او را اطعام می کنید.»

ابوحزمه عرض کرد: «هر سائلی به در خانه می آید که مستحق نیست.»

امام علیه السلام فرمود: «بیم آن دارم که بعضی از آنان مستحق باشند و ما او را برانیم و به واسطه این عمل، آنچه بر یعقوب و آل یعقوب نازل شد؛ بر ما اهل بیت نازل شود. آنان را طعام کنید؛ آنان را اطعام کنید. یعقوب پیامبر، همه روزه برای خوراک خود و خانواده اش یک قوچ ذبح می کرد. یک روز جمعه هنگام افطار، سائلی مؤمنی از در خانه یعقوب می گذشت. وی ندا در داد که این سائل

تشویق نمی کنید.» و «وَلَا يَحُضُّ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ!»^۱ و [دیگران] را به اطعام مسکین تشویق نمی کند.»

۳. فقدان دین

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ أَصْبَحَ لَمْ يَهْتَمَّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ وَمَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لِلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ»^۲ کسی که در هر صبح گاه به امور مسلمین همت نگمارد و در اندیشه کارهای آنان نباشد از آنها نیست و کسی که بشنود و مردی فریاد می زند و از مسلمانان کمک می طلبد و به او کمک نکند مسلمان نیست.»

۴. خواری دنیا و آخرت

امام صادق علیه السلام فرمود: «مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَخْذُلُ أَخَاهُ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَى نَصْرَتِهِ إِلَّا خَذَلَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»^۳ هر مؤمنی که برادر دینی خود را یاری

۱. ماعون/۳.

۲. اصول کافی، همان، ج ۲، ص ۱۶۴، ح ۵.

۳ بحارالانوار، همان، ج ۷۱، ص ۳۱۲ و ج ۷۲.

ص ۱۷ و امالی صدوق، بیروت، مجلس ۷۳.

ص ۳۹۳، ح ۱۶.

گرسنه و غریب را از بقیه غذای خود
طعام کنید.

آنسان با اینکه صدای او را
می‌شنیدند، گفته هایش را راست
نپنداشتند و او را تصدیق نکردند. آن
مستمند چون از ایشان ناامید شد و
شب فرا رسید به راه خود ادامه داد
داد و شب را با شکم خالی در حالی
که از گرسنگی خود به خدا شکایت
می‌کرد، به صبح رساند. یعقوب و
خانواده‌اش نیز با شکم سیر و در
حالی که هنوز مقداری از غذای آنان
باقی بود خوابیدند.

صبح فردا خداوند به یعقوب
وحی کرد: «بنده مرا چنان دلیل کردی
که مستحق غضب و تأدیب من و
نزول عذاب و ابتلای خود و پسرانت
شدی، ای یعقوب! از میان پیامبرانم
آنانی نزد من محبوب‌ترند که بر
بندگان مسکین من رحم کنند

آنان را به خود نزدیک ساخته،
اطعامشان کنند و پناهگاه آنان باشند.
ای یعقوب! چرا بر بنده من رحم
نکردی؛ بنده‌ای که عبادتش بسیار و
به اندکی از متاع دنیا راضی بود؟ به

عزتم سوگند! تو را مبتلا خواهم
ساخت و تو و پسرانت را آماج
مصیبتها قرار خواهم داد.»

ابوحزمه: «یوسف آن خواب
معروف را چه وقت دید؟» امام علیه السلام
فرمود: «در همان شبی که خانواده
یعقوب سیر خوابیدند و مستمند،
گرسنه بود.»^۱

از آنچه گفتیم به خوبی روشن
شد که خدمت به مردم و گره‌گشایی
از کار مردم و خدمتگزاری آنان، از
پادشاهای بزرگی و فراوانی برخوردار
است و در دنیا و آخرت، دست انسان
را می‌گیرد؛ به همین سبب، یکی از
مهم‌ترین کارهای انبیا و امامان،
خدمت به خلق بوده است. و شانه
خالی کردن از برآوردن حاجات مردم
با تمکن و قدرت، آثار زیانبار دنیوی
و اخروی دارد.

۱. علل الشرایع، صدوق، بیروت دارالمعرفه، ج ۱،
ص ۶۱، باب ۴۲، ح ۱؛ وسائل الشیعه، ج ۶، ص
۲۹۶ و علل الشرایع، ترجمه جواد ذهنی،
انتشارات مؤمنین، ج ۱، باب ۴۱، ص ۱۷۲، ح ۱.